اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت پنجاه و نه)

آخر الزمان (قسمت 2)

هبوط دوباره انسان

در قسمت قبل بررسی شد که انسان در کره زمین، قبل از قیامت و روز داوری، چند بار دیگر، هبوط پیدا میکند و شرایط زندگی برایش مشکل تر میشود. زمانی از چشمه های طبیعی، آب خنک می نوشید و زیر سایه ها استراحت میکرد و شبها می خوابید و روزها تلاش و کوشش میکرد ولی اکنون انسان دوباره هبوط پیدا کرده است و در هر بار هبوط، شرایط زندگی طبیعی را از دست میدهد و باید بوسیله تجهیزات و امکانات اختراعی و ساخته دست خودش، همان امکانات طبیعی

را برای خودش شبیه سازی کند. زمانی که انسانها عصیان کنند، شرایط طبیعی از کنترل خارج شده و نمیتوان شرایط طبیعی را براحتی و ساده دوباره بدست آورد. برای مثال اکنون تابستان مردم در شهرها، همگی داخل ادارات و خانه ها کولر روشن کرده اند و این کولر قسمت موتورش خارج از ساختمان است و قسمت موتور کولرها، گرما و بخار تولید میکند و زمانی که شما از یک کوچه و یا بغل یک ساختمان رد میشوید، گرمای فوق العاده ای حس میکنید که ناشی از گرمای این تجهیزات و ماشین آلات است و درصدی از گرمای داخل شهرها به این علت است. و به این طریق تجهیزات اختراعی بشر، میشود قاتل جان خودش. به این دلیل بچه ها و بزرگترها داخل خانه می مانند و معنای روز و شب و اوقات و استراحت و کار را درک نمی کنند. آنقدر دود و غبار و گرد و خاک در آسمان هست که خورشید ناپیداست و کسی غروب آفتاب و طلوع آفتاب و قرص ماه و ستارگان در شب را نمی بیند و در یک فضای انتزاعی و مجازی بزرگ میشوند و به این طریق گذر روزگار بر آنان هیچ تاثیری ندارد.

مردم گرمای درونی خویش را با قیمت گزافی از بین می برند. به قیمت آلوده کردن محیط زندگی خویش. هر گناهی که انجام میشود، مقدار نار(آتش درونی از نوع شیطان) درون بدن انسان را زیادتر می کند و این نارها نیاز به خاموش کردن دارند و مردم به اشتباه فکر میکنند که باید از کولر و سایر تجهیزات بطور مفرط

استفاده کنند. در حالیکه این نوع نار فقط بوسیله تقوا و پرهیزگاری خاموش میشود.

آدمی باید لحظه به لحظه وقتش را در نظر داشته باشد و آیات و نشانه های خدا را ببیند و درک کند و از آن برای رشد نفس خویش استفاده کند. به همین خاطر خدای حکیم می فرماید که نماز کتابی موقوت (زماندار) است.

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا ﴿١٠٣﴾

و چون نماز را به جای آوردید خدا را [در همه حال] ایستاده و نشسته و بر پهلوآرمیده یاد کنید پس چون آسوده خاطر شدید نماز را [به طور کامل] به پا دارید زیرا نماز بر مؤمنان در اوقات معین مقرر شده است (۱۰۳)

متاسفانه اکنون بیشتر مردم به این نشانه ها و اوقات طبیعی اعتقادی ندارند و آن را نادیده می گیرند. خدا نمازها را در اوقات مشخصی گذاشته است و میخواهد ما این اوقات را درک کنیم و قطعا برای این ناباوران که شواهد محکم طبیعی را نپذیرند، زمانها و دوره ها و عصرها بناگاه به پایان می رسد. انسان باید همیشه شب و روزش مشخص باشد و طلوع و غروب آفتاب را از هم تشخیص دهد و بین پایان و آغاز روز و شب فرق قائل شود. شبها زمان استراحت است. اما مردم متاسفانه با دیدن فیلمهای عشقی و آلفایی ، شب خود را از بین می برند و خوابهای عمیق را از

زندگی خویش حذف میکنند. خدا شب را برای آرامش و استراحت آفریده است و این اندازه گیری آن خالق یکتاست و خالق ما بهتر از هر کسی طریقه برآورده شدن نیازهای ما را می داند. گاهی افراد تا هفته ها به آسمان نگاه نمی کنند و حرکات خورشید و ماه و ستارگان را بررسی نمی کنند، یعنی نیاز ندارند.

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٩٦﴾

[هموست که] شکافنده صبح است و شب را برای آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده این اندازه گیری آن توانای داناست (۹۶)

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٩٧﴾

و اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داده تا به وسیله آنها در تاریکیهای خشکی و دریا راه یابید به یقین ما دلایل [خود] را برای گروهی که می دانند به روشنی بیان کرده ایم (۹۷)

ما باید بین اوقات پنجگانه نمازها فرق قائل شویم و یکی از دلایل نماز نخواندن و سبک شمردن نمازها همین است. مردم فرقی بین شب و روز و آغاز و پایان شب و روز نمی گذارند و این اوقات برایشان مهم نیست و غرق شدن در اشعار و فیلمها و کانالهای چت و ... آنان را از درک اوقات طبیعی محروم کرده است. خدا ما را می شناسد و به همین خاطر می فرماید که نماز یک کتاب مبتنی بر وقت است (إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا **). بزرگترین دردسر زندان، عدم درک اوقات است. ما اکنون با غرق شدن در فیلمها و آهنگها، یک زندان بزرگ برای**

خود درست کرده ایم. یک بچه شبها نمی خوابد و یا با بزرگترها می خوابد و یا اینکه شب و روز چراغ خانه روشن است ، به همین خاطر این بچه اوقات و زمانها را درک نمی کند و از همه مهمتر این بچه اهمیت نماز را نمی فهمد. نسل آینده که با این روش پرورش یافته اند، نشانه ها و آیات خدا در طبیعت را هم نمی فهمند و نادیده گرفتن این نشانه ها و آیات به معنای فراموش کردن خداست. کسی که خدا را فراموش کند، خدا هم او را فراموش میکند.

بعضی ها را دیده ای که موی سرشان سفید شده است ولی هنوز فکر میکنند جوان هستند و نمیخواهند گذر و گذشت روزگار را درک کنند. این افراد نمیخواهند متوجه عمق قضیه شوند. قبلا آفتاب و ماه و روز و شب را می دید و توجه نمی کرد ولی حالا از بس که دود و گرد و غبار زیاد شده است که شب و روز برایش مشخص نیست و آفتاب و ماه را نمی بیند. بعد از مدتی آیات و نشانه های واضح خدا دیگر پیدا نیست و این جزای فردی است که آیات و نشانه های خدا را نادیده می گیرد.

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا ﴿١٢﴾

و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم نشانه شب را تیره گون و نشانه روز را روشنی بخش گردانیدیم تا [در آن] فضلی از پروردگارتان بجویید و تا شماره سالها و حساب [عمرها و رویدادها] را بدانید و هر چیزی را به روشنی باز نمودیم (۱۲)

در مدیتیشن ، افراد متوجه اوقات نیستند، زیرا مدیتیشن و یوگا یک سیستم شیطانی هستند و شیطان هم میخواهد افراد را نسبت به اوقات و زمانها بی تفاوت کند و نمایشات خودش را جایگزین آیات خدا کند.

در سایز بزرگتر و گسترده تر باید دوره ها و عصرها را درک کنیم و بدانیم که هر عصر و دوره ای چه خصوصیاتی دارد.

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ سوگند به عصر [تغییر دوره ها و هبوط انسان] (۱)
إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ که واقعا انسان در این هبوط دستخوش زیان است (۲)

انسانها خیلی فانتزی فکر میکنند و از بس که آیات و نشانه های خدا را نادیده گرفته اند که نبود نشانه های خدا برایشان مهم نیست. آیا شما توجه کرده اید که خیلی از روزها مردم در شهرهای شلوغ نمی توانند آفتاب و ماه را واضح ببینند. زیرا این افراد طبیعت و محل زندگی خودشان هم برایشان مهم نیست و حتی یک روز یک نور مصنوعی در آسمان بگذارند، شاید خیلی ها متوجه نبود آفتاب نشوند. کسی که آیات واضح در طبیعت را نبیند و برایش مهم نباشد، قطعا این فرد آیات دیگر را هم نمیبینند.

براساس فرموده خدا در قرآن، آدم و حوا در بهشت که بودند، با انجام گناه بزرگ، پوشش و حفاظهای خود را از دست دادند و بلافاصله شروع کردند به پوشاندن خود بوسیله برگهای بهشت. پوشاندن بوسیله برگهای بهشت کنایه ای است از

اینکه آنها هبوط کردند و امکانات طبیعی را از دست دادند و برای تهیه همان امکانات مجبور شدند از امکانات و منابع استفاده کنند و خود را محافظت کنند.

فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿۲۲﴾
پس آن دو را با فریب به سقوط کشانید پس چون آن دو از [میوه] آن درخت [ممنوع] چشیدند برهنگی هایشان بر آنان آشکار شد و به چسبانیدن برگ[های درختان] بهشت بر خود آغاز کردند و پروردگارشان بر آن دو بانگ بر زد مگر شما را از این درخت منع نکردم و به شما نگفتم که در حقیقت شیطان برای شما دشمنی آشکار است (۲۲)

بعداً انسان به کره زمین هبوط یافت و آنوقت در کره زمین، بشر مجبور شد بوسیله حفاظ موجود در زمین از خود محافظت کند. لباس آدمی را از نور خورشید و آسیبهای دیگر محافظت میکند. مهمتر از لباس فیزیکی، لباس تقواست که آدمی باید به تن کند و گرنه پوششهای فیزیکی بدون تقوا بیفایده است.

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿۲۶﴾
ای فرزندان آدم در حقیقت ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورتهای شما را پوشیده می دارد و [برای شما] زینتی است و[لی] بهترین جامه [لباس] تقوا است این از نشانه های [قدرت] خداست باشد که متذکر شوند (۲۶)

شیطان ما را از بهشت بیرون راند و لباس را از تنمان برکند تا عورتهایمان و عیبها و نقطه ضعفهایمان را بر خودمان نمایان کند. به همین خاطر ما مجبوریم که در

دنیای فانی، بوسیله لباس و سایر پوششها، خودمان را از خطراتی که در زمین هست حفظ کنیم.

حتی زن و مرد میتوانند همدیگر را در زندگی در مقابل خطرات و عیوب و کاستی ها بپوشانند (هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ). از یک طرف بنابه پیشنهاد شیطان، زن و مرد میتوانند لباس هم نباشند و آبروی همدیگر را بریزند و مشکلات زیادی در زندگی برای هم فراهم کنند و حفاظ همدیگر را بیش از پیش از بین ببرند. اما یک پوشش دیگر هست که آدمی خودش برای خودش تهیه میکند و آن هم پوشش و لباس تقواست. خیلی از خطرها در دنیا، فقط بوسیله لباس تقوا دفع میشوند (لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ) و بعضی مواقع تنها راه و واقعی ترین حفاظ برای زندگی روی زمین، حفاظ تقواست . خیلی ها در زمین بخاطر پوشش عیوب خیالی و توهمات خویش گاها دست به کارهای نادرست میزنند؛ مثلا بدون هیچ دلیل پزشکی اعضاء بدن خویش را جراحی و دستکاری میکنند و یا سعی دارند با لباسهای گران قیمت و انواع مدها و اتومو‌بیلهای گران قیمت، عیوب خویش را بپوشانند.

از همینجا متوجه خواهیم شد که تقوا مهمترین سلاحی است که بشر برای محافظت از خود در زمین در اختیار دارد. زمانی که انسان عصیان میکند و دنبال لذتهای کاذب است و توهمات و خیالات او را گمراه میکند. در این حالت فقط تقوا میتواند او را از این منجلاب بیرون بیاورد. هیچ روانشناسی و هیچ جادوگری و هیچ پزشک

و روانپزشکی نمیتواند به اندازه یک هزارم تقوا در جسم و روان انسان تاثیر گذار باشد.

در جهنم، تبعیدگاه آخری، تنها پوشش و محافظ، پوست است که خود به یکی از بزرگترین اسباب زجر تبدیل میشود. در جهنم شدت اذیت آتش نار (منبع نار جهنم شاید از تعدادی خورشید باشد و یا منبع دیگری) آنقدر زیاد است که پوستها کامل میسوزد و بدن بشر جهنمی طوری طراحی شده که این لباس و پوست دوباره سبز میشود و روز بعد دوباره زجر کشیدنها تکرار میشود.

در زمین، پوششها و لباسها برای محافظت است. اما پوششها و محافظهایی که مبتنی بر تقوی نیست، محافظت نمی کنند و باعث زجر میشوند و بیشترین اشتباه انسانها در همین نکته است. در جهنم ، محافظی که در نظر گرفته شده است، خودش مهمترین وسیله زجر افراد است. اگر محافظی که ما در زمین برای خود استفاده میکنیم مبتنی بر تقوا نباشد، اتوماتیک به یک وسیله زحمت، زجر و اذیت تبدیل میشود دقیقا همانند جهنم. اتومبیل یک حفاظ و وسیله است که انسان میتواند انجام امورات و کارهایش را با آن راحتتر کند اما وقتی انسان بدون هیچ دلیلی و صرفا بخاطر پُزدادن سوار اتومبیل شده و در سطح شهر میچرخد و دود به محیط زندگیش می افزاید، در آن صورت همین حفاظ و وسیله به یک وسیله زجر تبدیل میشود.

در بهشت، با انجام گناه، لباس از بین رفت، در جهنم پوستها و حفاظها از بین میرود و درصد خطر بطرز وحشتناکی بالا میرود. خدا از حفاظ جهنم به عنوان پوست یاد

میکند، زیرا حفاظ جهنم با سیستم اعصاب در ارتباط است. حفاظ روی زمین، اگر بدون تقوا باشد، با سیستم اعصاب در ارتباط است و باعث زجر افراد میشود. اینها نکاتی است که باید بشر روی آن تفکر نماید.

اما جالب است که خدای حکیم طبق آیات بالایی در بهشت به آدم هشدار تبعید به زمین داده بوده است. خدا هشدار داده بود که ای آدم زنهار که شیطان شما را از بهشت بیرون نکند و آنوقت بد بخت وشقی میشوی. ای بنی آدم حالا شما در جایی هستی که نه تشنه میشوی و نه گرسنه و نه برهنه و نه آفتاب سوخته و ... این یعنی این که اگر نافرمانی کنی و فریب شیطان را بخوری ، به جایی میروی که تشنه میشوی و گرسنه میشوی و برهنه میشوی و آفتاب سوخته میشوی. اینها تعریفی است که خدای حکیم از زمینی که هم اکنون در آن در تبعید به سر می بریم، کرده است. خدا این هشدارها را قبلا گفته بوده است در بهشت! خدا قبلا گفته بوده است که زمین جای زیاد مناسبی برای زندگی بنی آدم نیست.

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى ﴿١١٧﴾

پس گفتیم ای آدم در حقیقت این [ابلیس] برای تو و همسرت دشمنی [خطرناك] است زنهار تا شما را از بهشت به در نکند تا تیره بخت گردی (١١٧)

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى ﴿١١٨﴾

در حقیقت برای تو در آنجا این [امتیاز] است که نه گرسنه می شوی و نه برهنه می مانی (١١٨)

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى ﴿۱۱۹﴾

و [هم] اینکه در آنجا نه تشنه می گردی و نه آفتاب‌زده (۱۱۹)

وَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَا يَبْلَى ﴿۱۲۰﴾

پس شیطان او را وسوسه کرد گفت ای آدم آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی شود راه نمایم (۱۲۰)

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ﴿۱۲۱﴾

آنگاه از آن [درخت ممنوع] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگهای بهشت بر خود و [این گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت (۱۲۱)

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى ﴿۱۲۲﴾

سپس پروردگارش او را برگزید و بر او ببخشود و [وی را] هدایت کرد (۱۲۲)

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى ﴿۱۲۳﴾

فرمود همگی از آن [مقام] فرود آیید در حالی که بعضی از شما دشمن بعضی دیگر است پس اگر برای شما از جانب من رهنمودی رسد هر کس از هدایتم پیروی کند نه گمراه می شود و نه تیره بخت (۱۲۳)

اما خدا در قرآن ، به بشر هشدار داده است که اگر بشر در همین زمین عصیان کند، دوباره هبوط پیدا می کند و همین حفاظها و امکانات به وسیله ای برای زجر او تبدیل میشود. خدا چقدر حکیمانه صحبت میکند و چقدر زیبا راهنمایی میکند. خدا یک مثال زیبا در این مورد برای ما بیان فرموده است. قبلا بنی اسرائیل از دستورات واضح خدا سرپیچی کردند و به مصر هبوط پیدا کردند. (أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا) به جای چیز بهتر خواهان چیز پست ترید پس به یک شهر کم امکانات و شلوغ و پر زرق و برق هبوط کنید.

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا
وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا
فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا
يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿۶۱﴾

و چون گفتید ای موسی هرگز بر یك [نوع] خوراك تاب نیاوریم از خدای خود برای ما بخواه تا از آنچه زمین می رویاند از [قبیل] سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز برای ما برویاند [موسی] گفت آیا به جای چیز بهتر خواهان چیز پست ترید پس به شهر فرود آیید که آنچه را خواسته اید برای شما [در آنجا مهیا]ست و [داغ] خواری و ناداری بر [پیشانی] آنان زده شد و به خشم خدا گرفتار آمدند چرا که آنان به نشانه های خدا کفر ورزیده بودند و پیامبران را بناحق می کشتند این از آن روی بود که سرکشی نموده و از حد درگذرانیده بودند (۶۱)

مصر در آن موقع، جایگاه مناسبی برای بنی اسرائیل نبوده است، چه از نظر امکانات و چه از نظر روحیات. مصر جایی بود که بنی اسرائیل در آنجا قبلا بَرده بودند و سختی های فراوانی کشیدند و مصر جایی بود که به روحیات بنی اسرائیل نمی خواند. اما آنها خودشان اینطوری میخواستند. آنها بهترین غذا را با خیار و سیر و عدس و پیاز عوض کردند. هر چند این سبزیجات هم مفیدند ولی از نظر ارزش غذایی هیچوقت به پای من و سلوی نمیرسند (منّ نوعی دانه بود گِرد به اندازه دانه های گشنیزکه با گزش بعضی درختان توسط حشرات از آن خارج میشد و مردم جمعش میکردند و به آرد و نان تبدیلش میکردند و طعمی همانند نان و عسل داشته است و سلوی هم گوشت نوعی پرنده مغزی و خوشمزه بوده است). بشر خودش، هبوط میخواهد. بنی اسرائیل آن موقع خودشان هبوط میخواستند و بجای

این غذاهای مفید ، زرق و برق شهریها را می خواستند و به همین خاطر خدا آنان را به مصر کوچانید و زندگی واقعی را از دست دادند و در یک زندگی پر استرس و دردسر شهری افتادند. خدا برای مردم، بیابان سینا را بر شهرنشینی مصر ترجیح داده بود. زیرا بنی اسرائیل در تمدن شهرنشینی و پرزرق و برق مصر، صفات خوب را از دست میدادند و در آن غرق میشدند. خدا غذایی طبیعی به اسم منّ را برای آنها معرفی کرد که بیشتر مواد مورد نیاز بدن یک انسان در آن بود. در بیابان سینا کاشت خیار و سیر و پیاز که بسیار آب بَر بوده است، به صرفه نبوده است و به همین خاطر خدا دانه ای به آنها معرفی کرد که خیلی کمتر آب نیاز داشت و در صحرای سینا هم راحت بدست میامد. خدا میخواست این نکته را به ما بگوید که ما باید بسته به شرایط محیطی، نوع غذای خویش را انتخاب کنیم. جایی که آب کم دارد معنی ندارد که هندوانه و چغندر قند و خیار و پیاز و سیر کاشته شود. مثلا در زندگی شهرنشینی، پفک و چیپس و انواع تنقلات با فایده بسیار کم و حتی مضر درست شده است که مردم با آن خود را مشغول میکنند ولی باید بدانیم که قیمت تمام شده اینها بسته به منابع طبیعی آن منطقه باشد. خدا میخواهد که ما بدانیم که برای هر منطقه ای لزومی ندارد که یک سبک غذایی یکسان بکار برده شود. بعضی غذاها باید زیاد از آن بخورید تا بتوانید مواد مغزی و کالری مفید از آن کسب کنید و به همین خاطر است که مردم اضافه وزن دارند و دچار انواع بیماریها میشوند.

خدا در داستان من و سلوی میخواهد به ما بگوید که غرق شدن در زندگی شهری بسیار خطرناک است و کسی که در آن غرق شود، دیگر امیدی به رشد نفسش

نیست. آدمی به تنوع کمتر غذاها راضی شود ولی همت و پیراستگی نفسش را از دست ندهد. نتیجه می گیریم که تنوع طلبی زیاد، باعث هبوط به زندگی مصنوعی و شهر نشینی خواهد شد. البته بعضی افراد بخاطر مسائل کاری در شهر زندگی میکنند ولی هیچوقت خود را در زرق و برقهای شهری غرق نکرده اند و خود را از خیلی مضرات آن دور نگه میدارند. مهمانیهای گران و پر زرق و برق، روان جامعه به اصطلاح متمدن را به هم ریخته است. دلایل عوض شدن دوره زیاد است، تنوع طلبی مهمترین دلیل هبوط دوره ای بشر است. تنوع طلبی بطور غیر منطقی در جامعه زیاد شده است. یکی بود که یک اتوموبیل خرید، چند روز نگذشت که خواست آن را عوض کند و پول خودش را هدر دهد، من هنوز این تصمیم او را درک نکردم و دلیل آن را نفهمیدم. دلایل آدمها برای تنوع طلبی خیلی پیچیده شده است.

فیلم باربی که اخیرا فروش زیادی داشته است، ثابت میکند که ارتباط بین زنان و مردان در حد زیادی منحرف شده است. در این فیلم دنیایی صرفا زنانه معرفی میشود که مردان نقش چندانی در آن ندارند و زنان را بدون مردان خوشبخت نمایش میدهد. در این جامعه خیالی، زنان در حد وسیعی مردان را حذف کرده اند و دنبال قدرت هستند. کودکان نسل جدید که بااین تفکرات بزرگ شوند، قطعا نسل آینده رو به نابودی خواهد رفت و این فیلم به نوعی تراجنسیتی را تبلیغ هم میکند. زیرا زنانی که به مردان احتیاج ندارند و حتی آنان را مزاحم می پندارند ،

قاعدتا با همدیگر زندگی میکنند. دنیایی صورتی و صرفا زنانه. جالب است که رنگ غالب فیلم هم صورتی است. خدای مهربان زنان را آفریده است که زن باشند و مردان مرد باشند و در زمین با همدیگر زندگی کنند. مردان باید خود را قانع کنند که وظایف پدری و همسری خویش را انجام دهند و زنان هم باید همراه مردان (الرجال قوامون علی النساء)، وظایف مادری و همسری خویش را انجام دهند. زنان فقط در این حالت خوشخبت خواهند بود و لاغیر. یکی از مهمترین دلایل هبوط انسان فاصله افتادن بین وظایف خدادادی زنان و مردان با تصورات و خیالات آنهاست. تاثیر بدی که این فیلم روی جامعه زنان و مردان دارد، دست کمی از بدترین فیلمهای تاریخ ندارد.

در یک سایت اینترنتی گفته بود که دو زوج که به همراه همدیگر به تماشای این فیلم رفته بودند، زن که متوجه شد شوهرش از دیدن این فیلم زیاد خوشحال نیست و متاثر نشده است، از او جدا شد و اعلام کرد که به علت بی احترامی به دنیای فانتزی زنان، دیگر حاضر نیست با این مرد زندگی کند! این فیلمها زیر پوستی، فمنیسم و تراجنسیتی را ترویج میکنند و سعی دارند که مخاطب را متقاعد کنند که فرق چندانی بین زن و مرد نیست. این فیلم محتوای چندانی ندارد و حتی جالب هم ساخته نشده است. واقعا برای نسلی که این فیلم ها را می پسندند باید نگران شد که چقدر در خیالات به سر می برند. جامعه ای بی غم، که در خیالات خویش زندگی میکنند و اصلا به فکر پرورش نفس خویش نیستند و دقیقا به همین خاطر است که خدا دوره را عوض میکند. اگر مردم اسراف کنند و معانی زندگی را عوض

کنند و آن را بیش از حد منحرف کنند، تنها راه حل، تغییر شرایط زندگی روی زمین است که انسان به این نقطه از موقعیت رسیده است. این فیلم دنیایی را نشان میدهد بدون در نظر گرفتن مردان و احساسات آنها.

زمان قدیم گرفتن ربا روشهای محدودی داشت ؛ آن موقع رباخوار به کسی پول قرض میداد و بعد از مدتی چند برابرش را پس می گرفت، اما الان رسانه و شغلهای کاذب به کمک رباخواری آمده است. کشاورز میوه ای را با قیمت ایکس تومان به دلال میفروشد و دلال آن را چند برابر(لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً) **به بازار وارد میکند و این کار دلال خودش نوعی ربا است.**

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱۳۰﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید ربا را [با سود] چندین برابر مخورید و از خدا پروا کنید باشد که رستگار شوید (۱۳۰)

وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿۱۳۱﴾

و از آتشی که برای کافران آماده شده است بترسید (۱۳۱)

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۱۳۲﴾

خدا و رسول را فرمان برید باشد که مشمول رحمت قرار گیرید (۱۳۲)

گاهی چندین دلال این مسیر را ادامه میدهند و یک سیستم رباخواری زنجیره ای را با هم تشکیل میدهند و این هم چند برابری (أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً) است. ربا خوار، تنبل میشود و به ربا عادت میکند و بمرور ربای بیشتری میخواهد تا آرام شود. باید تصاعدی بالا رود و گرنه افسرده میشود. زمان قدیم افراد رباخوار محدود بودند ولی الان بیشتر جامعه ناخواسته و خواسته در این مساله افتاده اند. خدای مهربان در مورد ربا از لفظ خوردن استفاده می فرماید. زیرا ربا به نوعی از منابع زمین تامین میشود و از منابع زمین بطرز افراطی استفاده میشود و به این خاطر بعد از مدتی مردم در مورد منابع طبیعی زمین به بن بست میرسند. وقتی یک کالایی گران شود و این گرانی بطور آبشاری بقیه کالاها را گران کند، یعنی سیستم ، یک سیستم رباخواری است و اقتصاد جامعه رو به نابودی است و بر آتش بنا شده است. در جامعه ای که دلال زیاد شد، سیستم ربوی است. یکی از دلایل دوره عوض شدن، همین رباخواری است که در تار و پود جامعه ریشه دوانده است.

مسائل مربوط به عشق در جامعه ریشه دوانده است. عشق یک مفهوم کاملا شیطانی است و یک نوع جذب شدگی است. عشق چنان عزت و نفس آدمی را ضعیف میکند که خدا برای نجات بشریت، دوره را عوض میکند. خدا مودت و رحمت را بجای عشق پیشنهاد داده است. وقتی به بعضی دوستان و آشنایان می گویم که عشق یک مفهوم شیطانی است، تعجب میکنند و من را به سنگدلی متهم میکنند. در حالی که عشق یک نوع سنگدلی است. عشق مفهومی مخالف مودت و رحمت

است. نتیجه عشق، بت سازی است ولی در مودت و رحمت، فرد مقابل را انسانی نیازمند مانند خودمان می دانیم که همانند ما به مودت و رحمت نیاز دارد؛ ولی در عشق طرف مقابل را بی نیاز می دانیم و به بتی تبدیل می شود که در نهایت چون هیچی نیست با شکست روبرو می شود. مودت بر اساس عقل و عشق بر اساس توهم است. از مشکلات عشق میتوان یک کتاب نوشت. دوره باید عوض شود تا بشر این مفاهیم شیطانی از سرش بپرد و گرنه متوجه موضوع نمیشود.